پیشنویس کنوانسیون جنایات علیه بشریت باید قربانیان و بازماندگان را در مرکز توجه قرار دهد.

- عفو بین‌الملل Amnesty International
- مرکز دادخواهی برای حقوق بشر Center for Human Rights Advocacy
- بنیاد دکتر دنیس موکـوگه Dr. Denis Mukwege Foundation
- بنیاد آزاد ایزدی Free Yezidi Foundation
- مرکز عدالت جهانی Global Justice Center
- صندوق جهانی بازماندگان Global Survivors Fund
- برنامه "اجندای گرس" Grace Agenda
- گرس آکان، شبکه دادخواهی زنان و عضو شبکه "سِما"، اوگاندا Grace Acan, women's Advocacy Network and a member of SEMA, Uganda
- مرکز بین‌المللی عدالت انتقالی International Center for Transitional Justice
- ردریس(REDRESS)
- شبکه «صدای بازماندگان» در سازمان آزادی از شکنجه Survivor Speak Out Network at Freedom from Torture
- اتحادیه زنان برما Women's League of Burma
- شبکه صلح زنان Women's Peace Network

<u>بررسی کلی: دولت‌ها باید یک رویکرد قربانی‌محور را در پیش‌نویس کنوانسیون جرایم علیه بشریت اتخاذ کنند</u>

دولت‌ها باید هنگام بررسی مواد پیش‌نویس مربوط به جلوگیری و مجازات جرایم علیه بشریت (که از آن به عنوان «پیش‌نویس کنوانسیون جرایم علیه بشریت» یاد می‌شود)، یک رویکرد قربانی‌محور را در تمام مراحل اتخاذ کنند.[1] این رویکرد برای تمام قربانیان و نجات‌یافتگان از جرایم علیه بشریت ضروری است،[2] به‌ویژه برای آنانی که ممکن است همچنان با به‌حاشیه‌رانی یا خطرات مداوم مواجه باشند، مانند نجات‌یافتگان از خشونت جنسی و دیگر آسیب‌های مبتنی بر جنسیت.[3]

رویکرد قربانی‌محور به رسمیت می‌شناسد که قربانیان و نجات‌یافتگان از جرایم علیه بشریت دچار آسیب و تروماهای شدید شده‌اند. این رویکرد بر آن است که حقوق و توانمندی تصمیم‌گیری هر قربانی و نجات‌یافته در اولویت تمام اقدامات قرار گیرد و تضمین کند که با آنان با کرامت و احترام برخورد شود و در تصمیم‌گیری‌های آگاهانه جهت دسترسی به حمایت، محافظت، عدالت و جبران خسارت براساس نیازها و اولویت‌های شخصی‌شان یاری رسانده شوند.

چنین رویکردی همچنین ایجاب می‌کند که دولت‌ها همواره به این نکته توجه داشته باشند که متن معاهده در عمل چگونه بر قربانیان و نجات‌یافتگان تأثیر خواهد گذاشت، از جمله این‌که آنان چگونه قادر خواهند بود به صورت مؤثر و معنادار به حقوق خود از طریق مفاد معاهده و نهادهای مجری آن دست یابند. این رویکرد تأکید می‌کند که پیگیری عدالت، یک حق است، نه فقط یک امتیاز برای قربانیان و نجات‌یافتگان.

بنابراین، رویکرد قربانی‌محور ایجاب می‌کند که دولت‌ها اطمینان حاصل کنند که حقوق قربانیان و نجات‌یافتگان به‌طور قوی و مشخص در سراسر پیش‌نویس کنوانسیون جرایم علیه بشریت گنجانیده شده است. حقوق بین‌الملل کیفری و حقوق بشر بین‌المللی مقرر می‌دارد که قربانیان و نجات‌یافتگان دارای این حقوق‌اند:
(i)حفاظت مؤثر؛ **(ii)**حمایت مؤثر؛ **(iii)**آگاهی از حقوق خود؛**(IV)** اطلاع‌رسانی به موقع از تحولات مربوط به روند قضایی، از جمله در زمینه عدالت و جبران خسارت؛ **(v)** مشارکت در روندهای کیفری و دیگر روندهای حقوقی مرتبط؛ **(vi)**داشتن نمایندگی حقوقی در روندهای کیفری و دیگر روندهای مربوطه؛ **(vii)**دریافت جبران خسارت کامل و مؤثر؛ **(viii)**اجرای احکام جبران خسارت.

همچنین، این رویکرد مستلزم آن است که دولت‌ها تضمین کنند که تمامی مفاد مربوط به محافظت، حمایت، جبران خسارت و راه‌های جبرانی برای قربانیان و نجات‌یافتگان به استقلال آنان احترام گذاشته و آن را تقویت نماید، و این خدمات بدون در نظر گرفتن توانایی یا تمایل نجات‌یافتگان به همکاری در روندهای قضایی علیه عاملان ادعایی فراهم گردد.[4]

---

۱ .مواد پیشنهادی سال ۲۰۱۹ کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد درباره جلوگیری و مجازات جرایم علیه بشریت، مواد پیشنهادی‌ای هستند که هنوز تحت بررسی و مذاکره دولت‌ها قرار دارند تا ممکن است به عنوان اساس یک معاهده بین‌المللی جدید در خصوص جرایم علیه بشریت مورد استفاده قرار گیرند. در این سند، از عبارت «پیش‌نویس کنوانسیون جرایم علیه بشریت» استفاده می‌شود، به این معنا که مواد پیشنهادی کمیسیون حقوق بین‌الملل (ILC) می‌تواند مبنای یک کنوانسیون آینده در مورد جرایم علیه بشریت قرار گیرد.

۲ .واژه «قربانی» معمولاً برای توصیف افرادی به کار می‌رود که حقوق بشر آنان نقض شده است. برای مثال، این واژه در اعلامیه اصول اساسی عدالت برای قربانیان جرم و سوء استفاده از قدرت سازمان ملل، اساسنامه رم دادگاه کیفری بین‌المللی، پروتکل‌های الحاقی اول و دوم به کنوانسیون‌های ژنو، و همچنین در کنوانسیون جدیدالتصویب همکاری حقوقی متقابل (در ادامه ذکر می‌شود) به کار رفته است. این واژه همچنین به رسمیت می‌شناسد که متأسفانه همه افرادی که قربانی جرایم علیه بشریت شده‌اند، زنده نمانده‌اند. با این حال، واژه «نجات‌یافته» بیشتر بازتاب‌دهنده قدرت، اراده و استقامت بسیاری از افرادی است که جرایم علیه بشریت را تجربه کرده‌اند و اغلب از سوی بازماندگان خشونت‌های مبتنی بر جنسیت و فعالان عدالت جنسیتی ترجیح داده می‌شود. از این‌رو، ما در این سند از هر دو واژه استفاده کرده‌ایم، چنانچه در اصول و رهنمودهای اساسی سازمان ملل در مورد حق بر جبران و غرامت برای قربانیان نقض‌های فاحش حقوق بین‌الملل بشر و نقض‌های جدی حقوق بین‌الملل بشردوستانه نیز در مقدمه آمده است. در حالی که اصطلاحات مورد استفاده در این سند به حقوق شکلی و ماهوی افراد متأثر اشاره دارد، نباید تعارضی با شیوه‌ای که هر فرد خود را تعریف می‌کند داشته باشد و نباید تجربه شخصی افراد در تعریف هویت‌شان را نادیده بگیرد.

۳ .اصول و رهنمودهای اساسی سازمان ملل در مورد حق بر جبران و غرامت برای قربانیان نقض‌های فاحش حقوق بین‌الملل بشر و نقض‌های جدی حقوق بین‌الملل بشردوستانه بر اهمیت «دیدگاه قربانی‌محور» تأکید می‌کند، در حالی‌که قطعنامه ۲۴۶۷ شورای امنیت سازمان ملل به «نیاز به رویکرد نجات‌یافته‌محور در پیشگیری و پاسخ‌دهی به خشونت جنسی در موقعیت‌های منازعه و پس از منازعه» اذعان دارد.

۴ .برای مثال، بنگرید به: کمیته رفع تبعیض علیه زنان(CEDAW) ، تفسیر عمومی شماره ۳۵، ماده ۳۱(b)، مقدمه و ماده ۳ کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت (CRPD) سازمان ملل.

مطابق با اصل حقوق بشر که ایجاب می‌نماید همه افراد در روند تصمیم‌گیری‌هایی که بر آنان تأثیر می‌گذارد دخیل باشند، یک رویکرد محوربرای بازماندگان (Survivor-Centric Approach) همچنین مستلزم آن است که دولت‌ها به‌گونه‌ای معنادار قربانیان و نجات‌یافتگان را در مراحل توسعه، تصویب، تطبیق و نظارت معاهده دخیل سازند، زمینه مشارکت آنان را در تصمیماتی که بر آنان تأثیر دارد فراهم نموده و اطمینان حاصل نمایند که صدا و دیدگاه قربانیان و نجات‌یافتگان به‌گونه‌ی مؤثر و کافی در احکام نهایی معاهده بازتاب یافته باشد. دولت‌ها باید در هر مرحله از این روند، اولویت‌ها و نیازهای قربانیان و نجات‌یافتگان را درک و در نظر بگیرند. برای نمونه، در سایر مجامع، قربانیان و نجات‌یافتگان عدالت و پاسخگویی را به عنوان یک اولویت کلیدی مطرح کرده‌اند، از جمله از طریق تقویت توانایی نظام‌های عدالت داخلی و بین‌المللی برای رسیدگی به جرایم مبتنی بر جنسیت.

از آنجایی که قربانیان و بازماندگان یک گروه همگن نیستند، در اتخاذ رویکرد نجات‌یافته‌محور، دولت‌ها باید به‌گونه خاص به تضمین برابری محتوایی قربانیان و نجات‌یافتگانی که در معرض به‌حاشیه‌راندگی و تبعیض قرار دارند – از جمله تبعیض‌های تلاقی‌یافته (intersectional discrimination) – توجه داشته باشند.[6]

این یادداشت ابتدا اهمیت و راه‌های بالقوه اقدام دولت‌ها را برای تضمین مشارکت قوی، معنادار و مؤثر قربانیان و نجات‌یافتگان در بحث‌ها و تصمیم‌گیری‌ها پیرامون پیش‌نویس کنوانسیون جرایم علیه بشریت برجسته می‌سازد (بخش اول). سپس راهکارهای مشخصی را برای تقویت احکام این پیش‌نویس، به‌منظور انطباق بیشتر با قوانین و معیارهای بین‌المللی حقوق بشر در چهارچوب رویکرد نجات‌یافته‌محور ارائه می‌نماید؛ از جمله: تصویب تعریف گسترده و بدون ابهام از «قربانی» در معاهده به‌گونه‌ای که همه افراد آسیب‌دیده از جرایم علیه بشریت را شامل گردد (بخش دوم)؛ و گسترش احکام مربوط به جبران خسارات (در ماده ۱۲(۳) پیش‌نویس فعلی) به‌گونه‌ای که تمام قربانیان و نجات‌یافتگان ذی‌ربط به جبران خسارت فوری، کامل و مؤثر دسترسی داشته باشند (بخش سوم). در نهایت، یادداشت با فهرستی غیرفراگیر از مثال‌های اضافی برای غور دولت‌ها در مورد به‌رسمیت شناختن و حقوق قربانیان و نجات‌یافتگان پایان می‌یابد (بخش چهارم.(

بخش اول: تضمین مشارکت مؤثر قربانیان و نجات‌یافتگان در روند تدوین، تصویب، تطبیق و نظارت بر معاهده

الف. موضوع:

اتخاذ رویکرد نجات‌یافته‌محور مستلزم آن است که قربانیان و نجات‌یافتگان بتوانند به‌گونه مؤثر، معنادار و با توانمندی در بحث‌ها و تصمیم‌گیری‌های مربوط به تدوین معاهده، به‌ویژه در بخش‌هایی که به طور مستقیم بر آنان تأثیر می‌گذارد، مشارکت داشته باشند و نقش رهبری ایفا نمایند. این رویکرد همچنین ایجاب می‌نماید که دیدگاه‌های قربانیان و نجات‌یافتگان به‌گونه‌ای شایسته و کامل در مواد نهایی معاهده انعکاس یابد. قربانیان و نجات‌یافتگان باید بتوانند در تمام مراحل تهیه، تصویب، اجرا و نظارت بر پیش‌نویس کنوانسیون جرایم علیه بشریت به‌گونه‌ای مؤثر و معنادار مشارکت نمایند.

ب. استدلال:

---

۵ .اصول اساسی عدالت برای قربانیان جرم و سوءاستفاده از قدرت، بند ۶ (ج). کمیته حقوق بشر، تفسیر عمومی شماره ۲۵. همچنین مراجعه شود به:
جون ۲۰۱۸، دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر ملل متحد(OHCHR) ، رهنمودها در مورد تطبیق مؤثر حق مشارکت در امور عمومی، در:
https://www.ohchr.org/en/documents/tools-and-resources/guidelines-effective-implementation-right-participate-public-affairs

۶ .برای مثال: توصیه عمومی شماره ۲۸ و شماره ۳۵ کمیته رفع تبعیض علیه زنان(CEDAW) ، ماده ۶ کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت (CRPD).

به‌ویژه، رهبری و مشارکت قربانیان و بازماندگان باید در سطح ملی صورت گیرد تا دیدگاه‌ها و نگرانی‌های ذی‌نفعان مربوطه در مواضع ملی کشورها منعکس گردد. دولت‌ها باید با قربانیان و بازماندگان مشورت کنند که آیا و چگونه می‌خواهند پس از تصویب کنوانسیون پیشنویس جرایم علیه بشریت، به مشارکت خود در تصمیم‌گیری‌ها ادامه دهند، از جمله در مراحل تصویب، اجرا و نظارت بر این کنوانسیون در سطح ملی. در سطح بین‌المللی، دولت‌ها باید اطمینان حاصل کنند که دیدگاه‌های قربانیان و بازماندگان در مراحل آمادگی و مذاکرات رسمی به طور معناداری مورد توجه قرار می‌گیرند، و اینکه قربانیان و بازماندگان به‌عنوان ذی‌نفعان اصلی و بهره‌برداران نهایی هر کنوانسیون آینده، بخش جدایی‌ناپذیر از فرآیند تدوین این معاهده تلقی شوند.

در این زمینه، مشارکت قربانیان و بازماندگان باید به‌طور فعالانه حمایت شود، از طریق تأمین بودجه کافی، کمک‌های تخنیکی و حقوقی، فعالیت‌های اطلاع‌رسانی عمومی، و همچنین تدابیری که زمینه مشارکت ایمن را فراهم سازد و خطر باز-تروما شدن (تجربه مجدد آسیب روانی) را تا حد ممکن کاهش دهد. در مراحل اولیه مشورت، آگاه ساختن قربانیان و بازماندگان از وجود پیش‌نویس کنوانسیون جرایم علیه بشریت و امکان مشارکت ذی‌نفعان برای شنیده شدن صدای‌شان امری حیاتی است، به‌ویژه با توجه به شکاف آگاهی که ممکن است در فهم قربانیان و بازماندگان از جرایم بین‌المللی و روندهای مربوطه وجود داشته باشد. این امر مستلزم آن است که ذی‌نفعان بتوانند مفاد پیش‌نویس کنوانسیون را درک کنند و از همه مهم‌تر، بدانند که این مفاد چگونه بر آن‌ها تأثیر خواهد گذاشت. هیچ دولتی یا نهاد ذی‌ربطی نباید قربانیان و بازماندگان یا نمایندگان آنان را از مشارکت یا ابراز نظر درباره این روند در مجامع ملی یا بین‌المللی حذف، محدود یا آزار دهد.

دولت‌ها و تمام ذی‌نفعان باید به‌گونه‌ای همه‌جانبه، شرایط مشارکت قربانیان و بازماندگان را بررسی کنند تا این مشارکت به‌صورت کامل فراگیر، غیرتبعیض‌آمیز، معتبر، مؤثر و معنادار باشد. تلاش‌های مداومی باید صورت گیرد تا نمایندگی گروه‌های متنوع قربانیان و بازماندگان، از جمله گروه‌هایی که با تبعیض یا تبعیض تقاطعی مواجه هستند و بازماندگان مواردی که ممکن است دچار انگ اجتماعی شده باشند، تضمین شود. این ممکن است مستلزم ارزیابی نیازها یا نقشه‌برداری از گروه‌های قربانی و بازمانده‌ای باشد که خواهان مشارکت در این روند هستند. هرچند مشارکت معنادار گروه‌های بزرگ و جغرافیایی پراکنده ممکن است چالش‌برانگیز باشد، ولی این چالش‌ها قابل کاهش‌اند. برای نمونه، دولت‌ها می‌توانند روش‌های مشارکت فردی یا جمعی را در نظر بگیرند و بررسی کنند که آیا افراد یا سازمان‌هایی می‌توانند با رضایت، به‌عنوان نمایندگان قربانیان و بازماندگان عمل کنند. شیوه‌های دیگر می‌تواند شامل مشارکت قربانیان و بازماندگان همراه با سازمان‌های اجتماعی یا فعالان جامعه مدنی باشد که از پیش آنان را می‌شناسند و به آنان اعتماد دارند.

ج. توصیه‌ها

برای اطمینان از اینکه قربانیان و بازماندگان به‌صورت معنادار در تصمیم‌گیری‌های مربوط به این معاهده درگیر شوند، دولت‌ها باید:

- زمینه را برای نقش رهبری قربانیان و بازماندگان در تمام مراحل تدوین، تصویب، اجرا و نظارت بر معاهده فراهم سازند، به‌ویژه در جنبه‌هایی که مستقیماً بر آنان تأثیر می‌گذارد و به‌خصوص در سطح ملی.

- با قربانیان و بازماندگان به‌طور گسترده مشورت شود تا اولویت‌های آن‌ها و شیوه‌ای که مایل به مشارکت در روندهای تدوین، تصویب و اجرای معاهده هستند، مشخص گردد؛
- به قربانیان و بازماندگان بودجه کافی، کمک‌های تخنیکی و حقوقی، و فعالیت‌های آگاهی‌دهی و اطلاع‌رسانی عمومی فراهم گردد، به‌گونه‌ای که مشارکت آنان به شکل ایمن تضمین شود؛ و
- اطمینان حاصل شود که گروه‌های متنوع قربانیان و بازماندگان در این روند درگیر شوند، که ممکن است نیاز به شناسایی و نقشه‌برداری از این گروه‌ها توسط دولت‌ها داشته باشد.

بخش دوم: پیش‌نویس کنوانسیون جرایم علیه بشریت باید تعریف وسیع و غیر مبهمی از «قربانی» را شامل شود

الف. موضوع

پیش‌نویس کنوانسیون جرایم علیه بشریت می‌تواند با تقویت بیشتر حقوق قربانیان که در پیش‌نویس ذکر شده، گامی مؤثر بردارد. آنچه در این زمینه نگران‌کننده است، فقدان تعریف مشخص از اصطلاح «قربانی» در این پیش‌نویس است که در عمل، این اختیار را به دولت‌های عضو می‌دهد تا خود تعیین کنند چه کسی به‌عنوان قربانی شناخته می‌شود. این یک مشکل جدی است، چرا که تلاش‌های ناقص در سطح ملی برای رسیدگی به جرایم علیه بشریت، بسیاری از قربانیان را به‌دلیل نبود تعریف فراگیر نادیده گرفته‌اند. در بسیاری از موارد، نهادها و سازوکارهای ملی ترجیح را به اعضای گروه‌های مسلط و قدرتمند می‌دهند، در برابر برخی جوامع تبعیض اعمال می‌کنند، یا نیازهای قربانیان به‌حاشیه‌رانده‌شده را نادیده می‌گیرند. واگذاری این اختیار مطلق به دولت‌ها در تعیین اینکه چه کسانی قربانیان جرایم علیه بشریت محسوب می‌شوند، می‌تواند باعث تداوم بی‌عدالتی‌ها و محرومیت بیشتر افراد و گروه‌هایی شود که پیش از این نیز به حاشیه رانده شده‌اند.

حقوق قربانیان عمدتاً در ماده ۱۲ پیش‌نویس کنوانسیون آمده است، و از این رو تمرکز اصلی بخش زیر بر همین ماده خواهد بود. با این حال، حقوق قربانیان و بازماندگان می‌تواند در بخش‌های دیگر این پیش‌نویس نیز به رسمیت شناخته شده و تقویت شود (رجوع شود به بخش چهارم.)

ب. استدلال

ما پیشنهاد می‌کنیم که پیش‌نویس کنوانسیون جرایم علیه بشریت بازنگری شده و شامل یک تعریف واضح، دقیق و غیرمبهم از واژه «قربانی» باشد؛ تعریفی که مبتنی بر مشورت با خود قربانیان و بازماندگان تدوین شود.

برای مطابقت با معیارهای بین‌المللی، این تعریف باید حداقل به اندازه‌ای گسترده باشد که همه افرادی را که از اعمالی که مصداق جرایم علیه بشریت هستند، آسیب دیده‌اند، شامل گردد. دولت‌ها باید اطمینان حاصل کنند که هیچگونه محدودیت ناعادلانه‌ای برای افراد واجد شرایط برای شرکت در روندهای کیفری یا بهره‌مندی از برنامه‌های جبران خسارت وضع نشود.[7]

۷» .تقویت حقوق قربانیان در کنوانسیون پیشنهادی جرایم علیه بشریت»، ازREDRESS ، قابل دسترس در:
https://redress.org/wp-content/uploads/2018/04/CAH-Convention-and-Victims-Rights.pdf(مارس ۲۰۱۸)

پیشنهاد می‌شود که مواد پیشنویس، تعریف «قربانی» را بر اساس قاعده ۸۵ از قواعد اجرایی و شواهد محکمه جزایی بین‌المللی (ICC) اتخاذ نمایند. این قاعده قربانیان را چنین تعریف می‌کند: «اشخاص حقیقی‌ای که در نتیجه ارتکاب هرگونه جرمی که در صلاحیت محکمه قرار دارد، دچار آسیب شده‌اند.» همچنان به‌طور واضح‌تر توضیح می‌دهد که: «قربانیان می‌توانند شامل سازمان‌ها یا نهادهایی نیز باشند که در نتیجه آسیب مستقیم به دارایی‌هایی‌شان که وقف دین، آموزش، هنر یا علوم، یا اهداف خیریه شده است، همچنین به یادبودهای تاریخی، شفاخانه‌ها و سایر اماکن و اشیای مرتبط با اهداف بشردوستانه، خساره دیده‌اند ۸

قابل ذکر است که این تعریف تقریباً به همان شکل در کنوانسیون مساعدت حقوقی متقابل که در ماه می ۲۰۲۳ تصویب شده، نیز گنجانیده شده است، اما در آنجا به عنوان بخشی از قانون اولیه معاهده به شمار می‌رود. ۹

این تعریف به‌گونه مناسب، «قربانی» و حقوقی را که به دنبال آن حاصل می‌شود، با آسیبی که متحمل شده‌اند، مرتبط می‌سازد؛ نه اینکه لازماً قربانی فردی باشد که مستقیماً هدف ارتکاب جرم قرار گرفته است. تعریف مشابهی از «قربانی»، که قربانی را بر اساس آسیبی که متحمل شده تعریف می‌کند، در «کنوانسیون بین‌المللی برای حمایت از همه اشخاص در برابر ناپدیدسازی اجباری(ICPPED) «۱۰ و «کنوانسیون مربوط به مهمات خوشه‌ای ۱۱ نیز وجود دارد. در واقع، استفاده از «پیوند آسیب» برای تعریف قربانیان در حقوق بین‌الملل به‌خوبی شناخته شده است، ۱۲ همان‌طور که توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل (ILC) در تفسیر همراه با مواد پیشنویس کنوانسیون جنایات علیه بشریت نیز ذکر شده است ۱۳

علاوه بر این، در سه دهه گذشته، معاهدات متعدد، نهادهای نظارتی‌شان، تصامیم محاکم و سایر معیارهای بین‌المللی به‌طور مداوم نکات زیر را درباره قربانیان بیان کرده‌اند: ۱۴

- قربانیان اشخاصی‌اند که از طریق اعمال یا ترک اعمالی که نقض معاهده قابل اجرا یا بدنه حقوقی مربوطه به شمار می‌رود، دچار آسیب شده‌اند؛
- قربانیان همچنین شامل اعضای نزدیک خانواده یا متکیان قربانی مستقیم، و اشخاصی می‌شوند که در هنگام کمک به قربانیان در حالت اضطراری یا برای جلوگیری از قربانی شدن آسیب دیده‌اند؛
- قربانیان می‌توانند متحمل آسیب‌های فردی و/یا جمعی شوند

---

۸ .قواعد اجرایی و شواهد محکمه جزایی بین‌المللی، قاعده ۸۵.

۹ .کنوانسیون لیوبلیانا-لاهای در مورد همکاری بین‌المللی در تحقیق و پیگرد جرم نسل‌زدایی، جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی و سایر جنایات بین‌المللی، ماده ۸۱ (می ۲۰۲۳)، در دسترس در:
https://www.gov.si/assets/ministrstva/MZEZ/projekti/MLA-pobuda/The-Ljubljana-The-Hague-MLA-Convention-English-v5.pdf
به‌ویژه ببینید ماده ۸۱(۱)(الف): «قربانیان به معنای اشخاص حقیقی‌ای هستند که در نتیجه ارتکاب هر جرمی که در این کنوانسیون ذکر شده، متحمل آسیب شده‌اند.» (تأکید اضافه شده است.(

۱۰ .کنوانسیون حمایت از همه اشخاص در برابر ناپدیدسازی اجباری، ۲۷۱۶ U.N.T.S. 3 دسمبر ۲۰۱۰)، ماده ۲۴(۱) قربانیان را چنین تعریف می‌کند: «شخص ناپدیدشده و هر فردی که در نتیجه مستقیم ناپدیدسازی اجباری آسیب دیده باشد.» به‌طور گسترده پذیرفته شده که قربانیان ناپدیدسازی اجباری همچنین شامل افرادی می‌شوند که با شخص ناپدیدشده در ارتباطاند، مانند اعضای خانواده.

۱۱ .کنوانسیون در مورد مهمات خوشه‌ای، ۲۶۸۸ U.N.T.S. 39 می ۲۰۰۸)، ماده ۲(۱) «قربانیان مهمات خوشه‌ای» را چنین تعریف می‌کند: «تمام افرادی که کشته شده‌اند یا از آسیب‌های فزیکی یا روانی، خسارات اقتصادی، به حاشیه رانده شدن اجتماعی یا نقض چشمگیر در تحقق حقوق‌شان در نتیجه استفاده از مهمات خوشه‌ای رنج برده‌اند. این افراد شامل کسانی می‌شوند که مستقیماً تحت تأثیر مهمات خوشه‌ای قرار گرفته‌اند، و همچنان خانواده‌ها و جوامع آسیب‌دیده آن‌ها«.

آسیب شامل موارد ذیل می‌باشد:
آسیب فزیکی، روانی یا اخلاقی، رنج و درد عاطفی، زیان اقتصادی یا سایر خسارات مادی، یا نقض چشمگیر حقوق اساسی فرد؛ و یک فرد بدون در نظر گرفتن این‌که مرتکب تخلف شناسایی، بازداشت، تعقیب عدلی یا محکوم شده باشد یا نه، و بدون در نظر گرفتن رابطه خانوادگی میان مرتکب و قربانی، باید قربانی محسوب گردد.پذیرش یک تعریف واضح و جامع از «قربانی» سبب جلوگیری از ابهام، ارائه راهنمایی لازم به دولت‌ها در هنگام اجرای کنوانسیون، و پرهیز از سردرگمی در جریان رسیدگی‌های فراملی خواهد شد که در آن‌ها کشورهای مختلف با تعاریف جداگانه و گاه متضاد از اصطلاح «قربانی» دخیل هستند.

در شکل فعلی، نبود وضوح در تعریف «قربانی» در پیش‌نویس کنوانسیون جنایات علیه بشریت ممکن است دسترسی قربانیان به عدالت و حقوق مندرج در کنوانسیون را در سطوح ملی و فراملی مختل ساخته و باعث شود که اشتراک در روندهای عدلی، تجربه‌ای آسیب‌زا و صدمه‌رسان برای قربانیان و بازماندگان باشد—برای نمونه، در صورتی‌که قربانیان مجبور شوند برای اثبات استحقاق‌شان به تضمینات مندرج در معاهده، درگیر روندهای طولانی حقوقی شوند.

از همه مهم‌تر، مرتبط ساختن تعریف «قربانی» به آسیبی که وی متحمل شده است، باعث تضمین شمول همه افرادی می‌شود که ممکن است به‌طور غیرمستقیم از جنایات علیه بشریت آسیب دیده باشند، از جمله برای مثال، کودکانی که در نتیجه خشونت جنسی به دنیا آمده‌اند. این رویکرد همچنان به‌درستی بازتاب‌دهنده این درک است که چنین جنایاتی تنها افراد را متأثر نمی‌سازد، بلکه ممکن است خانواده‌ها و جوامع گسترده‌تری را نیز متأثر کند.

ج. پیشنهادات

دولت‌ها باید ماده ۱۲ کنونی پیش‌نویس را اصلاح نمایند تا یک تعریف از «قربانی» را بر اساس مشوره با طیف گسترده‌ای از قربانیان و بازماندگان و مطابق با معیارهای بین‌المللی شامل سازند. این تعریف باید به اندازه کافی فراگیر باشد تا همه اشخاصی را در بر گیرد که از اعمالی که جنایات علیه بشریت تلقی می‌شوند، آسیب دیده‌اند. به حداقل، کنوانسیون جنایات علیه بشریت باید رویکرد اتخاذشده در کنوانسیون همکاری حقوقی متقابل را تعقیب کند و یک تعریف صریح از قربانی را در متن معاهده درج نماید، مانند قاعده ۸۵ از قواعد اجرایی محکمه جزایی بین‌المللی.(ICC)

---

۱۲ .قواعد اجرایی و شواهد محکمه جزایی بین‌المللی، قاعده ۸۵؛ کنوانسیون بین‌المللی ۲۰۰۶ برای حمایت از همه اشخاص در برابر ناپدیدسازی اجباری، ماده ۲۴(۱)؛ کنوانسیون در مورد مهمات خوشه‌ای، ماده ۲(۱)؛ کمیته منع شکنجه در تفسیر عمومی شماره ۳ خود در مورد اجرای ماده ۱۴ از کنوانسیون ۱۹۸۴ علیه شکنجه و سایر مجازات‌ها یا رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز توسط دولت‌ها؛ رهنمودهای استفاده از اصطلاح «قربانی» توسط کمیسیون حقوق بشر و مردم آفریقا در تفسیر عمومی شماره ۴ خود؛ کنوانسیون ۱۹۵۰ حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی. همچنان ببینید:

- **Vallianatosو دیگران علیه یونان**، درخواست شماره‌های 09/29381 و 09/32684، فیصله مؤرخ ۷ نومبر ۲۰۱۳، هیأت بزرگ، محکمه اروپایی حقوق بشر، پاراگراف ۴۷؛
- **Çakiciعلیه ترکیه**، درخواست شماره 94/23657، فیصله مؤرخ ۸ جولای ۱۹۹۹، هیأت بزرگ، محکمه اروپایی حقوق بشر، پاراگراف ۹۸؛
- **Elbertеعلیه لاتویا**، درخواست شماره 08/61243، فیصله مؤرخ ۱۳ جنوری ۲۰۱۵، بخش چهارم، محکمه اروپایی حقوق بشر، پاراگراف ۱۳۷؛
- **Street Children (Villagrán-Morales)و دیگران) علیه گواتمالا**، فیصله مؤرخ ۱۹ نومبر ۱۹۹۹ (ماهیت قضیه)، محکمه بین‌امریکایی حقوق بشر، سری C ، شماره ۶۳، پاراگراف‌های ۱۷۴–۱۷۷ و ۲۳۸؛
- **Bámaca-Velásquezعلیه گواتمالا**، فیصله مؤرخ ۲۵ نومبر ۲۰۰۰ (ماهیت قضیه)، محکمه بین‌امریکایی حقوق بشر، سری C ، شماره ۷۰، پاراگراف‌های ۱۵۹–۱۶۶؛
- **Yakye Axa Indigenous Communityعلیه پاراگوئه**، فیصله مؤرخ ۱۷ جون ۲۰۰۵ (ماهیت قضیه، جبران خساره و مصارف)، محکمه بین‌امریکایی حقوق بشر، سری C ، شماره ۱۲۵، پاراگراف ۱۷۶؛
- **کمیسیون حقوق بشر و مردم آفریقا**، تفسیر عمومی شماره ۴ (۲۰۱۷) در مورد حق جبران خساره برای قربانیان شکنجه و سایر مجازات‌ها یا رفتارهای ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز (ماده ۵)، پاراگراف ۱۶.

---

۱۳ .مواد پیشنویس در مورد پیشگیری و مجازات جنایات علیه بشریت، همراه با تفسیرها، ۲۰۱۹، صفحات ۱۰۳–۱۰۴.

۱۴ .چنانچه در تفسیر کمیسیون حقوق بین‌الملل (ILC) درباره کنوانسیون پیشنویس جنایات علیه بشریت ذکر شده، در حالی که سایر اسناد بین‌المللی تعریف صریحی از «قربانی» ارائه نمی‌دهند، اما رهنمودهای عملی همراه آن اسناد در اصل، تعریف مشخصی از «قربانی» را ارائه کرده‌اند.

ب. استدلال

زبان موجود در پیش‌نویس باید واضح‌تر گردد تا تضمین شود که تنها قربانیان و بازماندگان جنایات علیه بشریت که در جریان پیگردهای قضایی در محاکم قرار می‌گیرند، حق دریافت جبران خساره را ندارند. در حالی‌که دولت‌ها باید حق دسترسی به راه‌حل‌های قضایی را برای قربانیان و بازماندگان جنایات علیه بشریت فراهم کنند، جبران خساره باید برای کسانی که نمی‌خواهند در چنین روندهای قضایی شرکت کنند نیز قابل دسترسی باشد.

در حالی‌که برخی قربانیان و بازماندگان قادر و بسیار مایل به اشتراک در روندهای قضایی کیفری یا سایر روندهای حقوقی می‌باشند، برخی دیگر یا توان اشتراک را ندارند یا تمایلی به آن ندارند و یا آن را در اولویت نمی‌بینند. برای مثال، در ارتباط با قربانیان و بازماندگان خشونت‌های جنسی مرتبط با مخاصمات، صندوق جهانی بازماندگان اشاره کرده است که: «روندهای قانونی پیچیده و پرهزینه هستند... و تکمیل آن‌ها سال‌ها زمان می‌برد» و اشتراک در این روندها برای بازماندگان خشونت‌های جنسی و مبتنی بر جنسیت» (SGBV) دشوار» است. برخلاف روندهای قضایی، روندهای اداری می‌توانند «استانداردهای پایین‌تری برای اثبات شواهد» و «روندهای ساده‌تری» داشته باشند که دسترسی به جبران خساره را برای قربانیان و بازماندگان SGBV آسان‌تر می‌سازد. بنابراین، این یک عنصر اساسی در رویکرد مبتنی بر بازمانده است که برای تضمین اختیار و استقلال قربانیان و بازماندگانی که ممکن است بخواهند یا نخواهند در روندهای قضایی شرکت کنند، ضروری می‌باشد.

برای تحقق این هدف، دولت‌ها باید در ماده ۱۲(۳) پیش‌نویس فعلی زبانی را شامل سازند که آن‌ها را ملزم به ایجاد برنامه‌های جبران خساره‌ای نماید که مکمل جبران خساره از طریق اشتراک در روندهای کیفری باشند.

میکانیزم‌های اضافی، مانند رسیدگی‌های مدنی، اداری یا انضباطی و برنامه‌های مختلف دیگر، در معیارهای بین‌المللی مورد تشویق قرار گرفته‌اند، از جمله در اصل ۳۲ «مجموعه‌ی به‌روزشده اصول مربوط به حمایت و ارتقای حقوق بشر از طریق اقدام برای مبارزه با مصونیت از مجازات». به همین ترتیب، همان‌گونه که در اصل ۳۲ ذکر شده است: «قربانیان و سایر اقشار جامعه مدنی باید نقش معنی‌داری در طراحی و اجرای چنین برنامه‌ها داشته باشند» و «تلاش‌های هماهنگ باید صورت گیرد تا اطمینان حاصل شود که زنان و گروه‌های اقلیت در مشورت‌های عمومی برای توسعه، اجرا و ارزیابی برنامه‌های جبران خساره شرکت داده شوند.«

کمیته محو تبعیض علیه زنان (کمیته CEDAW) نیز از دولت‌ها خواسته است تا «برنامه‌های اداری جبران خساره را بدون لطمه به حقوق قربانیان/بازماندگان برای دسترسی به راه‌های قضایی اجرا نمایند». این کمیته علاوه بر آن تصریح نموده است که «باید به اختیار، خواسته‌ها، تصمیمات، امنیت، کرامت و یکپارچگی قربانیان/بازماندگان اولویت داده شود.«

---

۱۵ .یافته‌های ابتدایی مجمع عمومی سازمان ملل از مطالعه جهانی جبران خساره، خلاصه اجرایی، صفحه ۱۱، قابل دسترسی در: https://www.un.org/sexualviolenceinconflict/wp-content/uploads/2021/09/report/global-reparations-study-executive-summary-report-of-preliminary-findings/20210927GSFReport_UNGA_Preliminary_Findings.pdf
در این مطالعه همچنان آمده است که «دستورات دادگاه برای جبران خساره که پس از محکومیت صادر می‌شوند، تنها شامل درصد بسیار ناچیزی از بازماندگان می‌گردند، ارزش محدودی دارند و به ندرت اجرا می‌شوند.» همان منبع، صفحه ۱۰.

۱۶ .یافته‌های ابتدایی مجمع عمومی سازمان ملل از مطالعه جهانی جبران خساره، خلاصه اجرایی، صفحه ۷.

۱۷ .کمیته رفع تبعیض علیه زنان(CEDAW) ، توصیه عمومی شماره ۳۵، ماده ۳۱(ب).

۱۸ .نگاه شود به: «توصیه‌های عمومی به دولت‌ها برای یک کنوانسیون درباره جلوگیری و مجازات جنایات علیه بشریت»، عفو بین‌الملل، IOR 40/6497/2023، مارچ ۲۰۲۳، صفحه ۲۰.

۱۹ .سند شماره E/CN.4/2005/102/Add.1 ، مورخ ۸ فبروری ۲۰۰۵.

۲۰ .همان منبع E/CN.4/2005/102/Add.1 :، مورخ ۸ فبروری ۲۰۰۵.

۲۱ .کمیته CEDAW ، توصیه عمومی شماره ۳۵، ماده ۳۳(ب).

۲۲ .همان: توصیه عمومی شماره ۳۵، ماده ۳۳(ب)، کمیته CEDAW ، سند E/CN.4/2005/102/Add.1 ، مورخ ۸ فبروری ۲۰۰۵.

ثانیاً، مهم است که قربانیان و بازماندگان جنایات علیه بشریت به جبرانی دسترسی داشته باشند که «فوراً، کامل و مؤثر» باشد.۲۳ این موضوع به‌ویژه از آن جهت اهمیت دارد که در بسیاری از موارد، قربانیان و بازماندگان جنایات تحت حقوق بین‌الملل شکایت دارند که تدابیر جبرانی ارائه‌شده در جبران آسیبی که متحمل شده‌اند مؤثر نبوده است. سایر معاهدات و معیارهای بین‌المللی نیز دامنه تعهدات دولت‌ها برای فراهم‌آوری جبران خساره را روشن‌تر می‌سازند. به طور خاص، «اصول اساسی و رهنمودهای سازمان ملل متحد در مورد حق بر درمان و جبران خساره» (اصول اساسی سازمان ملل) تأکید می‌کند که قربانیان حق دارند به «جبرانی کافی، مؤثر و فوری» و نیز «جبرانی کامل و مؤثر» دسترسی داشته باشند.۲۴

کنوانسیون مربوط به ناپدیدشدگی اجباری تصریح می‌نماید که قربانیان «حق دارند به جبران خساره و غرامت فوری، منصفانه و کافی» دسترسی داشته باشند.۲۵ کنوانسیون علیه شکنجه نیز حق «غرامت منصفانه و کافی که قابل اجرا باشد، از جمله امکان توان‌بخشی کامل» را پیش‌بینی کرده است.۲۶

ماده ۱۲(۳) پیش‌نویس کنوانسیون باید تا حد امکان دامنه تعهدات دولت‌های عضو را مشخص سازد.

صندوق جهانی بازماندگان نیز اشاره کرده است که خشونت جنسی و جنسیتی (SGBV) باعث «آسیب‌های جدی جسمی و روانی به بازماندگان می‌گردد که نیاز فوری به مراقبت‌های صحی و روانی دارند» و اغلب بر معیشت، روابط خانوادگی، و جایگاه فرهنگی آنان اثرات منفی دارد.۲۷ بنابراین، بازماندگان خشونت جنسی و جنسیتی نیازمند مراقبت‌های همه‌جانبه‌ای هستند که تمام اثرات ناشی از این جرایم را، بسته به نیازهای فردی هر شخص، در نظر بگیرد.۲۸ جبرانی که کامل یا مؤثر نباشد، اثرگذاری خود را از دست می‌دهد و جبرانی که به‌موقع ارائه نشود، باعث رنج بی‌مورد برای قربانیان و بازماندگان خواهد شد. افزون بر این، درمان آسیب‌هایی که برای مدت طولانی نادیده گرفته شده‌اند، پیچیده‌تر و پرهزینه‌تر می‌گردد.

دسترسی فوری، کامل و مؤثر به جبران خساره، می‌تواند آسیب‌های ناشی از خشونت جنسی و جنسیتی را کاهش دهد و به قربانیان و بازماندگان کمک کند تا هرچه سریع‌تر روند بهبودی را آغاز نمایند.

در مواردی که جنایت علیه بشریت با تبعیض‌های زیربنایی، از جمله خشونت مبتنی بر جنسیت یا سایر آسیب‌های جنسیتی، مرتبط باشد، دولت‌ها باید تدابیر مختلفی را برای جلوگیری از تکرار اتخاذ کنند، از جمله اصلاحات حقوقی، اجتماعی و اقتصادی که تبعیض‌ها و نابرابری‌های زیربنایی که باعث یا در ایجاد این نقض‌ها نقش داشته‌اند را مورد توجه قرار دهند. این اقدامات باید جوانب فردی، نهادی و ساختاری را در نظر بگیرند.۲۹

در نهایت، استفاده از عبارت «جبران خساره برای زیان‌های مادی و معنوی» در ماده ۱۲(۳) پیش‌نویس ممکن است نادرست باشد. نخست، «خساره» صرفاً یکی از اشکال جبران مالی است. با این حال، همان‌گونه که در بالا توضیح داده شد، آنچه باید جبران شود «آسیب» است که در اشکال مختلف رخ داده و متن پیش‌نویس باید به آن اشاره کند.

دوم، در اصول اساسی سازمان ملل، خسارات مادی و معنوی تنها در ارتباط با «غرامت» ذکر شده‌اند، یعنی فقط یکی از اشکال جبران.۳۰ محدود ساختن حق جبران خساره به «خسارات مادی و معنوی» نه‌تنها غیرمنطقی بلکه محدودکننده نیز هست. از این‌رو، ما همچنین پیشنهاد می‌کنیم که عبارت «آسیب‌های جسمی و سایر اشکال آسیب» نیز به انواع آسیب‌های ذکرشده اضافه گردد، تا با اصول اساسی سازمان ملل سازگار باشد.۳۱

---

۲۳ .بنگرید به «توصیه‌های عمومی به دولت‌ها برای تصویب یک کنوانسیون در مورد پیشگیری و مجازات جنایات علیه بشریت»، عفو بین‌الملل، سند شماره IOR 40/6497/2023 ، مارس ۲۰۲۳، صفحه ۱۹.

۲۴ .اصول ۱۱(ب)، ۱۵، ۱۸ از «اصول اساسی و رهنمودهای سازمان ملل در مورد حق بر درمان و جبران خساره.«

۲۵ .کنوانسیون بین‌المللی حمایت از تمامی اشخاص در برابر ناپدیدشدگی اجباری(ICPPED) ، ماده ۲۴(۴).

۲۶ .کنوانسیون علیه شکنجه و سایر رفتارها یا مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز(CAT) ، ماده ۱۴(۱).

۲۷ .یافته‌های ابتدایی مجمع عمومی سازمان ملل از «مطالعه جهانی جبران خساره»، خلاصه اجرایی، صفحات ۲ و ۶.

۲۸ .یافته‌های ابتدایی مجمع عمومی سازمان ملل از «مطالعه جهانی جبران خساره»، صفحات ۲ و ۶.

۲۹ .در رابطه با این ایده که تدابیر جبرانی باید به جای بازتولید یا تقویت شرایط ساختاری که شیوه‌ها و باورهای نابرابر را در جامعه حفظ می‌کنند و سبب خشونت جنسی می‌شوند، تلاش کنند تأثیر تحول‌آفرین بر نابرابری‌ها داشته باشند، بنگرید به: توصیه عمومی شماره ۳۵ کمیته رفع تبعیض علیه زنان(CEDAW GR 35) ، ماده ۳۳(ب)؛ رهنمود دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل (OHCHR) در مورد جبران خساره برای خشونت‌های جنسی مرتبط با منازعه، اصل ۴، در نشانی:
https://www.ohchr.org/sites/default/files/Documents/Press/GuidanceNoteReparationsJune-2014.pdf؛

ج. توصیه

مقررات مربوط به جبران خساره در پیش‌نویس کنوانسیون جنایات علیه بشریت باید تقویت و با مشورت قربانیان و نجات‌یافتگان، واضح‌تر گردد. حداقل، بند ۳ ماده ۱۲ پیش‌نویس فعلی باید به شرح زیر اصلاح شود (کلمات پیشنهادی برای اضافه شدن به صورت برجسته آمده‌اند:)

»هر دولت باید تدابیر لازم را اتخاذ کند تا در نظام حقوقی‌اش تضمین گردد که قربانیان جنایت علیه بشریت، که از طریق اعمالی که به موجب حقوق بین‌الملل به دولت نسبت داده می‌شوند یا در هر قلمرو تحت صلاحیت آن دولت ارتکاب یافته‌اند، حق دسترسی به جبران خساره فوری، کامل و مؤثر را داشته باشند، از جمله از طریق برنامه‌های جبرانی اداری یا سایر برنامه‌های جبرانی، برای خسارات مادی و معنوی، و هرگونه آسیب جسمی، روانی، اخلاقی، مادی، حقوقی یا سایر اشکال آسیب، به‌صورت فردی یا جمعی، که شامل یک یا چند مورد از اشکال ذیل یا اشکال دیگر باشد: اعاده وضعیت پیشین؛ غرامت؛ جلب رضایت؛ توانبخشی؛ توقف و تضمین عدم تکرار«.

V. سایر حوزه‌های قابل بررسی

فرصت‌های فراوانی برای بهبود پیش‌نویس کنوانسیون جنایات علیه بشریت به‌گونه‌ای وجود دارد که این سند بیشتر بر محوریت نجات‌یافتگان متمرکز شود—فرصت‌هایی که در این خلاصه توضیح داده نشده‌اند—و دولت‌ها باید با گروه‌های قربانیان/نجات‌یافتگان به‌طور مؤثر مشورت نمایند تا اولویت‌های آنان مشخص گردد. به‌عنوان مثال، سایر حوزه‌های قابل بررسی عبارتند از:

- افزودن زبان مبتنی بر محوریت نجات‌یافتگان به مقدمه که قربانیان و نجات‌یافتگان را به‌صورت بین‌بخشی (intersectional) و بر اساس طیفی از زمینه‌ها در نظر بگیرد و به‌صورت صریح به حقوق آنان در دسترسی به عدالت، حقیقت و جبران خساره، عاملیت و شجاعت آنان، و سهمی که در تحقق عدالت معنادار دارند، اشاره نماید، همچنین به اهمیت گروه‌ها و شبکه‌های نجات‌یافتگان تأکید شود؛
- اطمینان از اینکه در مقدمه به این موضوع اشاره شود که ممنوعیت جنایات علیه بشریت یک قاعده آمره‌ی حقوق بین‌الملل عمومی (jus cogens)است؛
- افزودن واژه «نجات‌یافتگان» در جاهای مناسب در سراسر پیش‌نویس کنوانسیون جنایات علیه بشریت، مانند در مقدمه یا در عنوان ماده ۱۲ پیش‌نویس فعلی؛
- تضمین تعهدات قوی دولت‌ها در زمینه پیشگیری از جنایات علیه بشریت.

---

۳۰ .اصول اساسی، اصل ۲۰.

۳۱ .اصول اساسی، اصل ۸: «آسیب، از جمله صدمه جسمی یا روانی، رنج عاطفی، خسارات اقتصادی یا آسیب جدی به حقوق اساسی آنان«.

۳۲ .برای مثال، مقدمه اصول و رهنمودهای اساسی سازمان ملل در مورد حق دسترسی به جبران خساره برای قربانیان نقض‌های شدید حقوق بشر بین‌المللی و نقض‌های جدی حقوق بشردوستانه بین‌المللی، به «رنج قربانیان، نجات‌یافتگان و نسل‌های آینده بشری» اشاره می‌نماید.

۳۳ .برای مثال، بند شش مقدمه کنوانسیون همکاری متقابل حقوقی (کنوانسیون لیوبلیانا–لاهه) چنین می‌گوید: «با اذعان به حقوق قربانیان، شاهدان و سایر اشخاص مرتبط با جنایاتی که تحت شمول این کنوانسیون قرار می‌گیرند، نقش حیاتی آنان در روند قضایی، و نیاز به محافظت از سلامت جسمی و روانی آنان و اتخاذ رویکردی مبتنی بر محوریت نجات‌یافتگان، و همچنین دسترسی به عدالت و جبران کافی، از جمله از طریق عدالت جبرانی در صورت لزوم«.

افزودن زبان جدید در ماده پیشنویس فعلی ۳ («تعهدات عمومی») به منظور به‌رسمیت‌شناختن اهمیت توجه ویژه دولت‌ها به حقوق و منافع قربانیان و نجات‌یافتگان جنایت علیه بشریت، از جمله در زمینه‌های کمک‌رسانی، حفاظت، جبران خسارت و بازسازی، و این‌که دیدگاه‌ها و حقوق آنان در روند تحقیق، پیگرد عدلی و استراتژی‌های گسترده‌تر عدالت، مد نظر قرار گیرد؛

●افزودن ماده‌ای در ماده پیشنویس فعلی ۶ که تصریح نماید هیچ مفادی از این کنوانسیون بر تعهدات قبلی دولت‌های عضو طبق حقوق بین‌الملل تأثیر نخواهد گذاشت؛

●افزودن ماده‌ای که تعهد دولت‌ها را برای تضمین حق قربانیان و نجات‌یافتگان جنایت علیه بشریت و خانواده‌های آنان برای دسترسی به اطلاعات در مورد نقض‌ها و مکانیزم‌های جبران خسارت بیان کند؛

●افزودن ماده‌ای که دولت‌ها را موظف سازد تا شکایات ثبت‌شده توسط قربانیان یا نمایندگان‌شان را به‌صورت فوری و بی‌طرفانه بررسی کرده یا به صورت خودکار تحقیقاتی را آغاز نمایند، در صورتی که دلایل معقولی برای باور به وقوع یا استمرار جنایات علیه بشریت وجود داشته باشد؛۳۴

●افزودن مفادی که حقوق حداقلی قربانیان و تعهدات دولت را در تمام مراحل روند عدالت کیفری تعیین کند، از جمله حق آغاز پیگرد قانونی، دسترسی به اسناد و مدارک، ارائه شواهد، و در صورت لزوم مشارکت در روند محاکمه؛

●افزودن ماده‌ای که دولت‌ها را ملزم کند قربانیان را از پیشرفت و نتایج بررسی شکایت و هرگونه تحقیق بعدی آگاه سازند؛

●افزودن مفادی برای تضمین اینکه قربانیان و نجات‌یافتگان حق مشارکت مؤثر و همه‌جانبه در روندهای عدالت و پاسخ‌گویی، و در هر مکانیزم نظارتی احتمالی را داشته باشند، از جمله حق ارائه شواهد، و الزام به ارائه اطلاعات در مورد روند رسیدگی به‌گونه‌ای که قابل درک برای آنان باشد؛۳۵

●افزودن ماده‌ای که روشن سازد قربانیان جنایت علیه بشریت باید هنگام ارائه دیدگاه‌ها و نگرانی‌های‌شان در مراحل مناسب روند کیفری از نمایندگی حقوقی برخوردار باشند؛

●افزودن مفادی به منظور تضمین حمایت کافی از قربانیان و نجات‌یافتگان به قوی‌ترین شکل ممکن (از جمله حمایت‌های جسمی و روانی، تا بتوانند مشارکت معنادار و امن در روند رسیدگی داشته باشند)؛

●اطمینان از اینکه حمایت‌های مندرج در ماده پیشنویس ۱۲(۱)(ب) برای شاکیان، قربانیان، شاهدان و بستگان و نمایندگان آنان، و همچنین سایر افرادی که در روند رسیدگی شرکت دارند، شامل محافظت پس از محاکمه نیز می‌گردد؛

گزارش گزارشگر ویژه در مورد خشونت علیه زنان، علل و پیامدهای آن، رشیده منجو، سند شماره A/HRC/14/22 ، بند ۳۱؛

دادگاه حقوق بشر قاره‌ای آمریکا، قضیه گونزالس و دیگران ("مزرعه پنبه") علیه مکزیک، ایرادات مقدماتی، ماهیت قضیه، جبران خساره و هزینه‌ها، ۱۶ نوامبر ۲۰۰۹، بند ۴۵۰؛

اعلامیه نایروبی در مورد حق زنان و دختران به جبران خساره، اصل H۳.؛

همچنین بنگرید به: دیوان کیفری بین‌المللی(ICC) ، دادستان علیه توماس لوبانگا دیلو، شماره قضیهICC-01/04-01/06 ، تصمیم مربوط به اصول و رویه‌های لازم‌الاجرا در مورد جبران خساره (فبروری ۲۰۲۱)، بند ۲۲۲، از جمله مواردی که تأکید شده «رویکرد حساس به جنسیت باید در تعیین شیوه‌های اجرای جبران خساره رعایت شود.«

۳۴ برای نمونه مراجعه کنید به ماده ۱۳ کنوانسیون منع شکنجه» :(CAT) رسیدگی به یک تحقیق فوری و بی‌طرفانه»؛ و ماده ۱۲ کنوانسیون بین‌المللی حمایت از تمام اشخاص در برابر ناپدید شدن اجباری» :(ECPPED) ادعا را به‌صورت فوری و بی‌طرفانه بررسی کرده و در صورت نیاز، بدون تأخیر تحقیق کامل و بی‌طرفانه‌ای را انجام دهد«.

۳۵ برای نمونه مراجعه کنید به ماده ۳۴(۴) کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت ((CRPD، که مطابق آن «مشارکت کارشناسان دارای معلولیت» یکی از عناصر مورد توجه در انتخاب اعضای کمیته حقوق افراد دارای معلولیت محسوب می‌گردد.

پیشنویس فعلی ماده ۱۲(۲)، که به قوانین ملی‌ای اشاره دارد که امکان ارائه و در نظر گرفتن دیدگاه‌ها و نگرانی‌های قربانیان جنایت علیه بشریت را در «مراحل مناسب روندهای جزایی» فراهم می‌سازد، باید دولت‌ها را ملزم سازد تا اطمینان حاصل کنند که قوانین ملی مذکور در این ماده، مشارکت معنادار را اجازه دهند و حقوق مندرج در این ماده را به‌صورت مفصل‌تر بیان نمایند؛

- تقسیم ماده ۱۲ فعلی پیشنویس کنوانسیون به چند ماده جداگانه، به‌منظور گسترش عناصر متفاوتی که بر تعریف قربانیان تمرکز دارد و به‌صورت گسترده‌تر حقوق مشخص آنان و دیگران را برمی‌شمارد، و به دیگر موضوعات مربوط به «قربانیان، شاهدان و سایر افراد» به‌شکل قوی‌تر و جامع‌تر رسیدگی می‌کند، به‌طور نمونه از طریق تدوین مقررات جداگانه و گسترده‌تر درباره جبران خسارت؛
- شناسایی تجارب موفق و درس‌های آموخته‌شده از سایر دادگاه‌های بین‌المللی و روندهای داخلی به‌منظور آگاه‌سازی مقررات محتوایی مواد پیشنویس و شناسایی بهترین راه‌ها برای توانمندسازی قربانیان و نجات‌یافتگان در روند تهیه و اجرای این معاهده.

ماده پیشنویسی ۱۲ شامل عناصر ضروری و قابل توجهی است، اما این عناصر را به‌گونه‌ای خلاصه بیان کرده و برخی موارد دیگر را نادیده گرفته است. از این‌رو، تهیه‌کنندگان می‌توانند تقسیم این ماده را نیز مورد بررسی قرار دهند. ماده ۱۲ فعلی شامل حق ارائه شکایت، حق برخورداری از محافظت در برابر انتقام‌گیری در هنگام انجام این کار، حق شنیده‌شدن در روندهای جزایی، و حق دریافت جبران خسارت می‌باشد. در مقایسه، کنوانسیون همکاری حقوقی متقابل (لیوبلیانا - لاهه) در بخش ششم خود میان تعریف قربانیان (ماده ۸۱)، حق خاص قربانیان، شاهدان و دیگران برای محافظت (ماده ۸۲) و سایر حقوق قربانیان (ماده ۸۳) تفکیک قائل شده است. افزون بر این، ماده ۸۲ کنوانسیون لیوبلیانا - لاهه گروه‌های مشمول حمایت را به «کارشناسان» نیز گسترش داده، جزئیات بیشتری در مورد چگونگی تأمین این حمایت ارائه می‌دهد، و روشن می‌سازد که حق حمایت شامل حریم خصوصی دارنده حق نیز در جریان رسیدگی می‌گردد (همچنین مراجعه شود به مواد ۵۷(۳)(ج) و ۶۸ اساسنامه رم). سایر عناصر مهمی که در این زمینه باید مد نظر قرار گیرند، شامل حقوق قربانیان و نجات‌یافتگان جنایات علیه بشریت برای دسترسی به اطلاعات مربوط به نقض‌ها و سازوکارهای جبران خسارت؛ بررسی شکایت‌ها؛ آگاهی از پیشرفت و نتایج این بررسی و هرگونه تحقیق بعدی؛ و داشتن نمایندگی حقوقی می‌باشد (نگاه شود به بخش چهارم در پایین.)